

پرورش

خلاقیت

و نوآوری

از طریق ارزش‌یابی بخش دوم

سعید راصد
کارشناس گروه دینی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف

▲ کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی، ماهیت درس دینی، امتحان، خلاقیت، علاقه‌مندی.

چکیده

از آن جایی که ماهیت درس دینی با ماهیت سایر دروس متفاوت است و آموزه‌های آن تمام زندگی فرد را دربرمی‌گیرد، امتحان و ارزش‌یابی آن باید به گونه‌ای باشد تا شور و نشاط لازم را در فراگیران ایجاد نماید. به همین منظور طرح سؤالات مناسب یکی از کلیدی‌ترین مسائل در این موضوع است. در این مقاله سه نمونه سؤال ارائه گردیده است، دو سؤال اول ناظر بر پرورش خلاقیت و ایجاد یک نگاه کلی نسبت به کتاب درسی است که در بخش اول مطرح گردید و سؤال سوم به‌منظور آگاهی از میزان تسلط دانش‌آموز نسبت به مفاهیم هر درس است، که در این بخش توضیح داده می‌شود.

در بخش اول این مقاله بیان شد که چگونه می‌توان در امتحان دین و زندگی نگاهی نو داشت و می‌توان با امتحان، ارزش‌های وجودی دانش‌آموزان را یافت و خلاقیت را در آنان پرورش داد. برای این منظور سؤالات معلم در پرورش این استعداد نقش کلیدی ایفا می‌نماید. زیرا سؤال می‌تواند برانگیزاننده و درگیرکننده باشد، به همین لحاظ سؤالات ذیل مطرح گردید و دانش‌آموزان فرصت داشتند تا در دو هفته پاسخ‌ها را بنویسند و آن‌ها را در جلسه‌ی

امتحان ارائه نمایند.

دو سؤال از سه سؤال مطرح شده در قسمت اول با ذکر نمونه‌هایی از پاسخ دانش‌آموزان توضیح داده شد. در این قسمت به سؤال سوم پرداخته می‌شود.

۱. عناوین دروس اول تا آخر را به گونه‌ای کنار هم قرار دهید که فهم شما را از دروس بیان نماید (به شکل یک انشا، طنز، حکایت، شعر و...).

۲. عناوین سه بخش کتاب درسی (اندیشه و قلب، پایداری در عزم و در مسیر) را به گونه‌ای کنار هم قرار دهید که نشان‌دهنده‌ی فهم کلی شما از کتاب باشد.

۳. مفاهیم کلی و مهم دروس نهم تا شانزدهم را به شکل نمودار و چارت نشان دهید.

هدف از طرح این سؤال، این بود که ببینیم دانش‌آموزان آیا توانسته‌اند علاوه بر یک نگاه کلی نسبت به مفاهیم کتاب، در اجزا و جزئیات هر درس، نیز اشراف کامل را به‌دست آورند یا خیر؟ پاسخ‌هایی را که دریافت کردم فراتر از انتظاراتم بود و واقعاً با دیدن جواب‌های دانش‌آموزان شرف خاصی در من ایجاد شد و لذت بردم. خدا را شکر و سپاس گزاردم که توانسته‌ام اندکی نگاه آن‌ها را نسبت به دین و آموزه‌های آن در جهت مثبت تغییر دهم.

نمونه‌های برگزیده از پاسخ دانش‌آموزان به سؤال سوم

۱. علیرضا فلاح، سال تحصیلی ۸۸-۸۹ (درس دوازدهم، فضیلت و آراستگی)

۲. اشکان امینی، سال تحصیلی ۸۸-۸۹ (درس دهم، اعتماد بر او)

۳. علیرضا ترحمی، سال تحصیلی ۸۸-۸۹ (درس نهم، فرجام کار)

۴. عرفان سیف، سال تحصیلی ۸۸-۸۹ (درس دهم و یازدهم، اعتماد بر او و دوستی با حق)

اغلب دانش‌آموزان پس از دادن پاسخ به سؤالات بر این نکته متفق‌القول بودند که اگرچه زحمات چنین امتحانی برایشان زیاد بوده است، اما از انجام چنین کاری نهایتاً خسته نشده بلکه لذت برده و فهمیده‌اند که چرا دین و زندگی می‌خوانند و هدف کتاب از ارائه‌ی مفاهیم و آموزه‌های دینی چیست؟ و درنهایت از نحوه‌ی گرفتن چنین امتحانی و بازخوردی که به ایشان داده شده بود اظهار تشکر و قدردانی داشتند.

درس دوازدهم

فضیلت و آراستگی

هدف درس: در این درس می‌خواهیم رابطه‌ی بین آراستگی و عفاف و نسبت آن‌ها با عزت را بررسی کنیم و ببینیم که یک انسان مؤمن چگونه می‌تواند در عین حفظ آراستگی، حیا و عزت خود را نیز





به فعلیت برساند.
رسول خدا(ص) می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ (خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد).

۱. اسلام بر پاکیزگی و آراستگی تأکید می‌کند.
۲. آراستگی هنگام عبادت و آراستگی در خانه نیز مورد تأکید اسلام است.
۳. میان آراستگی ظاهر و آراستگی باطن ارتباط وجود دارد (تأثیر باطن و ظاهر بر یکدیگر)
۴. عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است.
۵. زن کانون عفاف خانواده بوده و توجه به عفاف در او فطری است.

۶. عزت در مقابل حقارت و ذلت قرار دارد.
 ۷. نیاز به مقبولیت با آراستگی ارتباط دارد.
 ۸. انسان صاحب عزت نمی‌کوشد که با ایجاد تغییرات ظاهری، توجه دیگران را به خود جلب کند.
- امام صادق(ع) ← دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش بهتر است.
- آراستگی اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت‌ها ندارد. بلکه این توصیه برای حضور در خانواده و از آن مهم‌تر برای وقت عبادت است.

اهمیت آراستگی به ویژه در وقت عبادت

استفاده از عطر،
شانه زدن موها،
و پوشیدن لباس روشن و کاملاً تمیز و پاک بودن بدن بیش‌ترین توصیه به آراستگی برای وقت عبادت است.

ظاهر هر کس تجلی درون اوست و اندیشه‌ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می‌سازند و شکل می‌دهند. از سوی دیگر، رفتارهای ظاهری نیز به‌تدریج بر باطن انسان تأثیر می‌گذارد و روحیه‌ی فرد را تغییر می‌دهد. شما می‌توانید نمونه‌های فراوانی بیابید که چگونه برخی اعمال، سبب تغییر اخلاق و حتی طرز تفکر افراد شده است.

انسان عقیف ← حیا دارد که دیگران به جهت بدنش به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند. او در وجود خود ارزش‌های والا‌تری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام دیگران را برانگیزد.

عفاف ← یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می‌شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و دیگران به‌هیچ‌وجه نتوانند از او سواستفاده کنند.

امام صادق(ع): لباس نازک و بدن نما ننوشید. زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است.

امام علی(ع): پرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

عفاف در بانوان

عفت در اسلام

گرچه عفاف خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از مرد و زن است، اما وجود آن در بانوان جلوه‌ی زیباتری دارد.

زن، آیت جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلی است.

زن کانون عفاف خانواده است.

همواره ندایی درون او را به پاکی و پاک‌دامنی فرامی‌خواند.

گویا روح بزرگ او نمی‌پسندد که موهبت‌های خدایش، ابزار حقارت و کوچکی وی شود.

زن درمی‌یابد که اعطای هر کمالی از جانب خداوند مسئولیتی فزون‌تر نیز همراه دارد.

عزت

وقتی می‌گویند کسی دارای «عزت نفس» است، به آن معناست که وی عظمت و صلابتی در خود احساس می‌کند که موجب می‌شود حقارت و پستی را نپذیرد و تن به شکست و زبونی ندهد.

بزرگ‌ترین شکست نیز شکست روحی و معنوی است چه‌بسا انسان‌هایی که در جنگ ظاهری شکست بخورند و کشته شوند، اما روح بلندشان پیروز و عزیز باقی بماند.

به همین جهت است که انسان عزتمند، عقیف هم هست؛ یعنی عزتمندی او نمی‌گذارد به گونه‌ای خودنمایی کند که سرانجام آن تحقیر در جامعه باشد یا وسیله‌ی جلب‌توجه نگاه‌های آلوده قرار گیرد.

درس ۱۰

مهم‌ترین عوامل تقویت کننده‌ی عزم: توکل بر خدا، اعتماد به او

توکل و اعتماد بر خدا

توکل واگذار کردن نتیجه‌ی کارها به خداست

توکل رابطه‌ی مستقیمی با معرفت به خدا و ایمان به او دارد.

انسان متوکل خداوند را تکیه‌گاهی مطمئن برای خود قرار می‌دهد و امورش را به او واگذار می‌کند.

اثرات توکل ← تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند. زیرا می‌داند که اگر نتیجه را به خدا واگذار کند، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد.

حقیقت توکل

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم‌های بزرگ است.

نوجوان و جوان می‌داند به میزانی که تصمیم بزرگ‌تر می‌گیرد
← نیاز شدیدتری به توکل بر خدا و اعتماد بر او دارد.

توکل: انسان عاقل، با مشورت، شناخت و انتخاب خود را به قدرت مطلق می‌سپارد که تمام امور در دست اوست و نتیجه را به او وامی‌گذارد. به همین دلیل شکست ظاهری را نیز به مصلحت خود می‌داند و روحیه‌ی خود را از دست نمی‌دهد.
ریسک: تعقل، شناخت و مشورت نقش کمرنگ دارد و ایمان و توکل در آن رنگ می‌بازد و در هنگام شکست دچار مشکلات روحی و افسردگی ناشی از آن شکست می‌شود، چرا که خود را وابسته به جایی نمی‌بیند.

تفاوت توکل و ریسک

شرایط توکل حقیقی

۱. خلاصه‌ی در گفتار و گفتن در لفظ و یک جمله نباشد.
۲. درونی و قلبی باشد.

علم‌بی‌پایان خداوند

خداوند آینده‌هایی را می‌بیند که ما نمی‌بینیم. (برای خداوند حال و گذشته و آینده وجود ندارد)
به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم.
چیزهایی را ما به نفع خود می‌پنداریم درحالی‌که به ضرر ماست.
اموری را به ضرر خود می‌دانیم درحالی‌که درواقع به نفع ماست.

برای همین باید

با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم.
بدانیم که هیچ قدرتی در جهان مانع چاره‌سازی خدا نیست.

جایگاه گناهکاران ←

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه‌گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند. وقتی بدان‌جا می‌رسند درهای جهنم به روی آن‌ها باز می‌شود. جهنم هفت در دارد که راه‌های ورود گروه‌های مختلف جهنمی است. آن‌ها با وارد شدن به آن‌جا جزای اعمال خود را می‌بینند و از خدا بخشش می‌خواهند که خدا آن‌ها را نمی‌بخشد و آن‌ها کارهایشان را از جانب شیطان می‌دانند اما شیطان می‌گوید که فقط آن‌ها را دعوت کرده است و آن‌ها دعوت شیطان را پذیرفتند و می‌توانستند نپذیرند. پس آن‌ها خودشان با خود این کارها را کرده‌اند.

جایگاه نیکوکاران ←

نیکوکاران و رستگاران را به سوی بهشت می‌برند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند. یک در مخصوص پیامبران و صدیقان و یک در مخصوص شهیدان و صالحان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است، که آن‌ها در آن‌جا پاداش اعمال نیک خود را می‌بینند و همیشه در آن‌جا در امان هستند. بالاترین درجه‌ی بهشت فردوس است و اگر چیزی از خدا می‌خواهیم باید فردوس را طلب کنیم. همه‌ی بهشتیان زیبا، جوان، پاک و... هستند. برترین مقام بهشت خرسندی خداوند و انسان است.

رابطه‌ی میان عمل و پاداش و کیفر: ۱. قراردادی (مادی): قابل تعویض است.

۲. طبیعی (مادی): ناخودآگاه، پیوسته، قابل تعویض نیست.

۳. نامه‌ی عمل (معنوی): عمیق‌تر، کامل‌تر.

ظاهری: از بین می‌رود.

باطنی: همیشه باقی می‌ماند.

اعمال

